###### 28

###### آزاد.jpeg

###### دانشگاه آزاد اسلامي

###### واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**هوش هیجانی و میزان هوش عاطفی و یا هیجانی در زنان و مردان دانشجو**

**فصل اوّل**

مقدمه :

هوش هیجانی به عنوان مجموعه ای از عوامل که می تواند فرد را به طرف روابط سالم و توانایی برای پاسخ به کوشش های زندگی شخصی و حرفه ای در جهت مثبت هدایت کند ، تعریف شده است (مک مولن 2003) .

نظریه پردازان هوش معتقدند که IQ به ما می گوید که چه کار می توانیم انجام دهیم. در حالیکه هوش هیجانی به ما می گوید که چه کاری باید انجام دهیم . IQ شامل توانائی ما برای یادگیری تفکر منطقی ، انتزاعی می شود . در حالیکه هوش هیجانی به ما می گوید که چگونه از IQ در جهت موفقیت در زندگی استفاده کنیم . هوش هیجانی شامل توانایی ما در جهت خودآگاهی هیجانی و اجتماعی ما می شود و مهارت های لازم در این حوزه ها را اندازه می گیرد. همچنین شامل مهارت های ما در شناخت احساسات خود و دیگران و مهارت های کافی بر ایجاد روابط سالم با دیگران و حس مسئولیت پذیری در مقابل وظایف می باشد . (منصوری 1380) .

گلمن نیز معتقد است ، هوش هیجانی شامل توانایی ما برای حل مشکلات هیجانی انعطاف پذیری و قبول واقعیت می شود . بر اساس مطالعات دانیل گلمن در بهترین شرایط همبستگی اندکی (7%) بین هوش عمومی و برخی از ابعاد هوش هیجانی وجود دارد . به طوریکه می توان ادعا کرد و آنها عمدتاً ماهیت مستقل دارند . وقتی افراد دارای هوش عمومی بالا در زندگی تقلا می کنند و افراد دارای هوش متوسط به طور شگفت انگیزی پیشرفت می کنند ، شاید بتوان آن را هوش هیجانی بالای آنان دانست (گلمن 1998) .

مطالعات ریچارد (1995) نشان داد که نمره کل هوش عمومی همبستگی اندکی (12%) با هوش هیجانی دارد و مطالعات بار . آن نشان داد که عناصر هوش هیجانی از هوش عمومی مستقل است (دهشیری 1380) .

بیان مسئله :

در خانه مغز ما چیزی زندگی می کند به نام IQ ، که سالها فکر می کردیم او فرمانروای همه دستوراتی است که از مغز صادر می شود ورفتار ما بر اساس خیر و صلاحـی که او تشخیـص می دهد ، بدون چون و چرا تحت رهبری اوستو هر کجا رفتار خردمندانه ای از کسی سر می زند یا بر عکس عمل غیر عاقلانه ای انجام می داد سریع به او نسبت IQ بالا یا IQ پائین می زدیم .

اما آیا یه راستی رفتار ما نشان دهنده هوش عمومی یا کلی ماست ، اگر این چنین است چرا با وجود هوش بالا یا همان IQ بالا در بعضی افراد بازهم رفتارهای عجیب و غریب و احمقانه ای بروز می کند ؟

شاید به خاطر همین پیچیدگی بود که الکسین کارل انسان را موجودی ناشناخته معرفی کرد . اما در سال 1990 یکی از این ناشناخته ها توسط دانیل گلمن کشف شد که نام هوش هیجانی یا EQ لقب گرفت . هوش هیجانی چیست ؟ و چه فرقی با هوش عمومی یا همان IQ دارد؟ ( سعید سالارکیا 1385) .

نظریه پردازان هوش هیجانی به ما می گویند که IQ به ما می گوید که چه کار می توانیم انجام دهیم . در حالی که هوش هیجانی به ما می گوید که چه کاری باید انجام دهیم ، IQ شامل توانایی ما برای یادگیری تفکر منطقی او انتزاعی می شود ، در حالیکه هوش هیجانی به ما می گوید که چگونه از IQ در جهت موفقیت در زندگی استفاده کنیم . (همان منبع) .

در پژوهش حاضر می خواهیم بدانیم ، EQ یا هوش هیجانی در بین دانشجویان رشته های مشاوره و مهندسی چه مقدار است ؟

اگر کمی دقت کنیم علت خیلی از موفقیت ها یا ناکامی ها ، استرس ها یا آرامش های درونی را می توانیم از طریق EQ ردیابی کنیم و از او انتظار داشته باشیم . لذا امیدواریم در پژوهش حاضر با شناخت ویژگی های هوش هیجانی و مقایسه آن در بین دانشجویان گامی در جهت رشد موفقیت ها و آرامش آنان برداریم .

اهمیت و ضرورت پژوهش :

بعضی هوش عاطفی را به عنوان یک قایق نجات یا دستاویز بسیاز محکمی می پندارند که به کمک آن می توان از رنج ها و ناراحتی های زندگی عادی خلاص شد . عده ای هم به انکار اهمیتی آن پرداخته و معتقدند که به مفهوم کهنه و قدیمی لباسی نو و تـازه و پر زرق و بـرق پوشانده اند . اما واقعیت هوش هیجانی چیزی فراتر از این ادعاها و گزافه گویی هاست .

صاحب نظران و پژوهشگرانی که به بررسی و مطالعه علمی هوش عاطفی می پردازند معتقدند که هوش عاطفی می تواند کاربردها و تأثیرات مهمی بر فعالیت های گوناگون آدمی چون رهبری و هدایت دیگران ، توسعه ی حرفه ای یا شغلی ، زندگی شغلی ، زندگی خانوادگی و زناشویی، تعلیم و تربیت ، سلامت و بهزیستی روانی و ... داشته باشد . از هوش عاطفی نباید به عنوان یک رقیب یا جانشین برای « توانایی» ، « دانش و آگاهی» « مهارت های شغلی» نام برد . فرض می شود که هوش عاطفی می تواند سبـب بهبـود و اصـلاح فعالیـت های حرفـه ای ، موقعیت های شغلی و کسب مهارتهای لازم و مطلوب گردد . لذا ضروری به نظر می رسد که در پژوهش حاضر به بررسی هوش هیجانی در افراد پرداخته شود تا بدین وسیله رابطه میان هوش هیجانی و رشته تحصیلی دانشجویان محاسبه گردد .

هدفهای پژوهش :

تحقیق و مطالعه راجع به هوش عاطفی و هیجانی تازه آغاز گردیده است . هوش عاطفی نمی تواند برای داشتن یک زندگی ساده و مرفه هم شرط لازم باشد ، هم شرط کافی . شرط لازم هست ، اما شرط کافی نیست .

برای بسیاری از مردم ، هوش عاطفی نقش لکه هـای جوهـر در آزمـون رُرشـاخ را بـازی می کند که هر کسی از آن برداشت خاصی دارد و آن را به گونه ای متفاوت از دیگـران استنبـاط می نماید . برای عده ای هوش عاطفی همه چیز است به جز هوش شناختی .

رویکردها و مدلهای نظری گوناگونی برای مطالعه هوش عاطفی وجود دارند .نکتۀ مهم به نظر ما این است که دانشجویان بتوانند بهترین و مناسب ترین رویکرد برای مطالعه ی آن انتخاب کنند . هدف ما از این پژوهش همانا این است که بتوانیم درک عمیقی از این حوزه بدست آورده و بتوانیم به صورت هوشمندانه ای ، روش اهداف و وسایل ارزیابی مناسب را انتخاب نمائیم .

پرسشهای پژوهش :

1) آیا میزان هوش عاطفی و هیجانی در دانشجویان رشته مشاوره و رشته مهندسی برق و معماری متفاوت است ؟

2) آیا هوش هیجانی در زنانو مردان دانشجو متفاوت است ؟

فرضیه های پژوهش :

1) میزان هوش عاطفی در دانشجویان مشاوره و مهندسی متفاوت است .

2) میزان هوش عاطفی و یا هیجانی در زنان و مردان دانشجو متفاوت است .

تعاریف نظری مفاهیم :

**هوش هیجانی :** هوش هیجانی عبارت است از یکسری مهارت ها و قابلیت ها که می تواند هم آموزش داده و هم یادگرفته شود به طوری که شخـص بتوانـد از نظـر هیجانی بهتر تربیت شود ( ادیب زاده 1383 ).

تعریف عملیاتی :

**هوش هیجانی :** در پژوهش حاضر منظور از هوش هیجانی ، نمره ای است که آزمودنی ها در آزمون هوش هیجانی بار- آن بدست می آورند .

متغیر مستقل : رشته های تحصیلی مشاوره و مهندسی برق و معماری

متغیر وابسته : نمره هوش هیجانی